



گزارشی از کتاب «کودتاهای ایران» آخرین اثر سهراب یزدانی

ساعت‌های غارت‌زده

گروه اندیشه: دردست‌گرفتن حاکمیت با ابزار نظامی موضوع تازه‌ای نیست و تاریخی چند هزارساله دارد: از مصر و روم باستان تا ایران عصر ساسانی. اگرچه مداخله نظامیان در حاکمیت در هزاران سال بارها تکرار شده، ماهیت مداخله‌های نظامی در اعصار کهن با نمونه‌های امروزی همان‌قدرتفاوت دارد که سپاه‌های باستانی با ارتش‌های نوین و مدرن. ازاین‌رو، بسیاری از مورخان معتقدند نطفه کودتاهای جهان معاصر در فرانسه بسته شد. در سال ۱۷۹۹، ناپلئون بناپارت آغازگر یا مبدع کودتاهای نظامی به معنای مدرن بود. ماهیت حرکت ناپلئون به‌گونه‌ای بود که آن را بدل به نقطه آغازین کودتاهای بعدی کرد. او را مبدع تاکتیک نوینی می‌دانند که در آن هم شیوه فنی قبضه قدرت وجود داشت و هم ویژگی قانونی نشان‌دادن عمل. ابزار کودتای ناپلئون ارتش بود، اما او کوشید کار خود را قانونی جلوه دهد. بعد از اولین کودتا در آخرین سال قرن هجدهم، تا به امروز، انواع کودتاها در سراسر جهان انجام شده است. اما در دنیای جدید، کودتاهای دیگر به صورت نمونه‌های تاریخی فرانسه یا انگلستان رخ نداد و دولت‌ها در کشورهای مختلف با انواع گوناگون کودتاها روبه‌رو شدند. در دو قرن گذشته همراه با پیشرفت فنون نظامی و تکنولوژی‌های جنگی، دامنه و تنوع کودتاها گسترش یافت و دخالت نظامیان در امور سیاسی به پدیده‌ای مرسوم بدل شد. (صص ۷–۲۰) با این‌حال، در تمام موارد پیامدهای کودتا از حد جابه‌جایی دولت و گروه‌های حاکم فراتر رفت و ابعاد زندگی سیاسی و روزمره مردم را تغییر داد. تاریخ کودتاهای جدید، آن‌قدر در اذهان عمومی زنده‌اند که بعید است کسی تصاویر جنایات، توحش و حضور تانک‌ها را در مبادین شهرهای بزرگ جهان فراموش کرده باشد: از رم (۱۹۲۲)، بانکوک (۱۹۳۲) تا قاهره (۱۹۵۲)، تهران (۱۹۵۳)، آتن (۱۹۶۷)، سانتاگو (۱۹۷۳)، اتیوپی (۱۹۷۴) و ده‌ها مورد دیگر. اگرچه از دامنه کودتاها در سال‌های اخیر به‌شدت کاسته شده و حتی نمونه ساختگی اخیر در ترکیه هم مشابه موارد گذشته نبود، بااین‌حال هنوز شیوه جابه‌جایی دولت با سیاست کودتای نظامی – خاصه در کشورهای موسوم به جهان سوم – به قوت خود باقی است. ازاین‌رو، تحلیل تاریخی کودتاها همچنان ضرورت دارد. جامعه ایران نیز در قرن گذشته میلادی با تجربه چهار کودتا، از جمله جوامع باتجربه به حساب می‌آید: به توب بسته‌شدن مجلس اول و براندازی مشروطیت، برچیدن و انحلال مجلس دوم، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. در سال‌های اخیر پژوهش‌ها و روایات معتبری از این وقایع صورت گرفته است؛ ازجمله کتاب‌های هوشنگ صباچی، سیروس غنی، همایون کاتوزیان و استفانی کرونین از کودتای سوم اسفند و آثار و روایات تاریخ‌نگارانی چون پرواند آبراهامیان، علی قیصری، فخرالدین عظیمی، محمدعلی موحد و دیگران از کودتای ۲۸ مرداد. اما به دلیل اهمیت موضوع حاضر در تاریخ معاصر ایران، همچنان تحلیل‌ها حول آن ادامه دارد. سهراب یزدانی در کتاب آخر خود، «کودتاهای ایران»، هرچهار واقعه را روایت و تحلیل کرده و می‌کوشد الگویی مشترک در کودتاهای ایران شناسایی کند. یزدانی تاریخ‌نگار اجتماعی و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران است. از دیگر آثار مهم او می‌توان به «کسروی و تاریخ مشروطه ایران»، «مجاهدان مشروطه» و «جتماعیون عامیون» اشاره کرد.

در کتاب چه می‌گذرد؟

کتاب حاضر شش فصل دارد و محدوده زمانی آن نیم‌قرن از تاریخ معاصر ایران است: فصل اول مباحثی نظری و تاریخی است درباره پدیده کودتا، فصل دوم تا پنجم بررسی و تحلیل زمینه‌ها، چگونگی و پیامدهای کودتا در چهار مقطع زمانی مشخص و فصل آخر تبیین الگویی برای کودتاهای ایران. تحلیل نظری– تاریخی کتاب، تفاوت مهمی با برخی آثار مشابه در این زمینه دارد. نویسنده در این فصول برخلاف تحلیل‌های رایج که صرفاً محدود به نقش و جایگاه نیروهای خارجی کودتا و کشف و بازخوانی اسناد سرویس‌های امنیتی و وزارت‌های خارجه آمریکا و بریتانیا است، می‌کوشد ضمن بررسی عناصر خارجی و اسناد مربوطه، عوامل داخلی، زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، طبقات و اقشار اجتماعی، جنبش‌های مردمی و در کل عناصر داخلی کودتا را نیز بررسی کند. در فصل اول چند نظریه به طور خلاصه بررسی و انواع کودتاها معرفی و نمونه‌هایی تاریخی برای هر یک از آنها ارائه می‌شود. ازجمله نظریات مطرح‌شده درباره کودتا در فصل یکم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نظریه ویلیام تامپسون که بر نارضایتی نظامیان تأکید دارد، نظریه زرمری اوگین که کاهش یا افزایش بهای مواد خام را علت اصلی کودتا در کشورهای عقب‌مانده می‌داند و نظریه نظامیان پرتورین که به موقعیت مستقل نظامیان در مقابل دولت می‌پردازد. هر یک از این نظریات در مورد هرچهار کودتای ایران بررسی می‌شود. بخشی از این‌س فصل نیز به فن کودتا و مراحل گوناگون آن مثل برنامه‌ریزی، اجرای عملیات و پیامدها می‌پردازد. ازاین‌رو، مباحث فصل اول دیدگاهی کلی برای بررسی موضوعی کودتاها در اختیار خواننده می‌گذارد که در فصول بعدی به بخش‌های کوچک و جزئی تبدیل می‌شود و این جزئیات درخصوص هر یک از چهار دوره به کار می‌رود.

فصل دوم به نخستین تجربه ایرانیان در این زمینه می‌پردازد که در قالب به توب بسته‌شدن مجلس شورای ملی اجرا شد و با الغای مشروطیت، حکومت استبدادی را برقرار کرد. فصل سوم به انحلال مجلس دوم می‌پردازد. اگرچه برخی مورخان آن واقعه را کودتا نمی‌دانند، نویسنده در کتاب حاضر با استناد به اینکه دولت زیر فشار روسیه مجبور شد مجلس را منحل کند، اقدام دولت را در برچیدن قوه قانون‌گذاری حرکتی کودتایی

قلمداد می‌کند و آن را دومین تجربه کودتای ایرانیان می‌داند. فصل چهارم درباره کودتای سوم اسفند است و فصل پنجم نیز به ۲۸ مرداد می‌پردازد. از آنجاکه کودتا پدیده‌ای است با ریشه‌های سیاسی و اجتماعی و پیامدش مبارزه با بن‌بست سیاسی است، روش کار کتاب برای آشنایی با علل و زمینه‌های کودتا، شناخت ریشه‌های آن است و نشان می‌دهد کودتاهای ایران در چه موقعیتی رخ داده‌اند. بدین منظور نویسنده می‌کوشد به ماهیت و شیوه مبارزه سیاسی پی ببرد که در جامعه جریان داشت. او در این فصول ضمن شناسایی شرایط اجتماعی و سیاسی هر دوره، نیروهای درگیر پیکار سیاسی را مشخص می‌کند. و سرانجام به این موضوع می‌رسد که کدام نیروهای سیاسی شیوه‌های متعارف و قانونی مبارزه را کنار می‌گذاشتند و به ابزار فراقانونی روی می‌آوردند. همچنین هدف و انگیزه این نیروها را نیز نشان می‌دهد. بررسی‌ها به صورت مقایسه‌ای پیش می‌روند. از این‌رو، الگوسازی در فصل آخر بر پایه یافته‌های فصول پیشین است که هر یک متعلق به دوره تاریخ مشخصی است.

الگوی کودتاهای ایران

تز اصلی کتاب پس از بررسی و روایت چهار کودتای ایران در فصل آخر می‌آید: الگوی کودتاهای ایران. نویسنده قصد دارد دریابد آیا می‌توان شاخصه‌هایی یکسان و همگون بین کودتاها یافت و همگی را در چارچوبی تحت عنوان «کودتاهای ایران» قرار داد؟ برای پاسخ به این سؤال نخست می‌کوشد تفاوت کودتاهای ایران با الگوهای جاری و مسلط را نشان دهد و سپس ویژگی‌های عمده و همانند کودتاهای ایران را برجسته کند. در نظر نویسنده هیچ‌یک از کودتاهای ایران مبتنی بر نارضایتی نظامیان نبوده است: نه مجلس شورای ملی پیش از کودتاهای اول و دوم کاری کرده بود که به رنجش نظامیان منجر شود، نه ناخرسندی قزاق‌ها پیش از سوم اسفند به کودتا منجر شد و نه حتی در کودتای ۲۸ مرداد، اگرچه سیاست دولت مصدق موقعیت و منافع نظامیان بالاترته را بر هم می‌زد، در این مورد هم نویسنده معتقد است نیروهای مسلح به صورت مستقل عمل نکردند و ابزار دست برنامه‌ریزان کودتا بودند. همچنین تأکید دارد در سه کودتای اول ایران مسئله افزایش یا کاهش مواد خام هم هیچ تأثیری نداشت و در کودتای چهارم نیز اگرچه مسائل اقتصادی اهمیت یافت، این مسائل پیامد مبارزه برای ملی‌کردن صنعت نفت بود و نوسان بهای جهانی نفت بر آن اثر نداشت. به علاوه تأکید دارد نظامیان ایران در هیچ‌یک از کودتاهای درون حکومتی در موقعیتی مستقل از دولت به دولت حمله نکردند. از سوی دیگر، یزدانی مصر است کودتاهای ایران در مقاطعی رخ دادند که جنبش سیاسی جامعه را در می‌نوردیدند. ازاین‌رو، در چنین وضعی سیاسی‌شدن گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله بخشی از نیروهای نظامی امری طبیعی بود. اما این دسته از نظامیان ن‌تنها در توطئه‌های مخالف مجلس یا ضد دولتی شرکت نکردند، بلکه در صف مقابل کودتاها قرار می‌گرفتند.



کودتاهای ایران

سهراب یزدانی

ناشر: ماهی

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

(صص ۳۷۸–۳۷۷) بر این اساس، نویسنده برای دستیابی به الگویی فراگیر درباره کودتاهای ایران تأکید بر خود این پدیده سیاسی در جغرافیای ایران و تبیین مؤلفه‌های یکسان در آن دارد. اگر در فصول پیشین اجزای یک پدیده سیاسی با جزئیات روایت و تحلیل می‌شود، در فصل نهایی کتاب تلاش بر آن است تا بر پایه شناختی که از آن اجزا به دست می‌آید، پدیده کودتا را به صورت مجموعه‌ای کلی بررسی کند. در نظر نویسنده، تصویری که با این روش به دست می‌آید فرم ساده‌شده‌ای از یک پدیده سیاسی است.

نویسنده کودتاها را بر پایه رویدادهای آمریکای لاتین به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱- «سرنوگونی دولت» که در آن کودتاگران در خلال عملیات خود شخص رئیس دولت را از بین می‌برند. ۲- «کودتای پادگانی» که طی آن نظامیان دولت را وازگسون می‌کنند و هیئت دولت جدیدی را بر جایش می‌گذارند. ۳- «کودتای درون‌حکومتی» (بیا خودی) که نسبت به دو دسته اول نوع نادری است و آن را با اصطلاح «خودسرنوگونی» مشخص می‌کنند. (ص ۲۰) طبق روایت تحلیلی کتاب، کودتاهای ایران از نوع سوم، «درون حکومتی»، بودند. به این معنا که «در این نوع کودتا، مدعی قدرت سیاسی فرا قانونی کسی نیست جز رئیس حکومت. او ابزارهای براندازی را برای درهم‌شکستن رقیب درون حکومتی خود به کار می‌گیرد و اگر پیروز شود، بر دایره قدرت و اختیارات خود می‌افزاید.» (ص ۳۸۹) که همین دلیل «کودتاهای ایران به آسانی کامیاب شدند.» (ص۴۱۲) البته کودتای سوم اسفند را به‌عنوان استثنایی بر قاعده کودتاهای ایران از نوع درون‌حکومتی نمی‌دانند. «در این مورد نیروی نظامی شورشی از قرارگاه خود حرکت کرد، به سوی پایتخت آمد و آن را به تصرف درآورد. دولت که خود را در تهدید می‌دید، فرو ریخت و کودتاگران دولت خود را بر سر کار آوردند.» (ص۳۹۳) نویسنده کودتای سوم اسفند را از نوع پادگانی می‌داند و بر این باور است که اگرچه ماهیت آن با سه نمونه دیگر متفاوت بود و به نتایجی دیگر رسید، با نمونه‌های پیشین و کودتای درون‌حکومتی نکات مشترکی دارد: «توطئه‌گران

اندیشه



کودتای سوم اسفند۱۲۹۹

سوم اسفند شاه را سرنگون نکردند، بلکه خود را به او وفادار نشان دادند. آنها اعلام کردند که برای یاری شاه به پایتخت آمده‌اند. کودتاگران به این صورت می‌خواستند نشان دهند که به نام شاه در امر سیاست مداخله کرده‌اند و امیال راستین او را اجرا می‌کنند. به سخن دیگر کوشیدند عمل خود را درون حکومتی جا بزنند.» (ص۳۹۴) با این‌حال، نویسنده کودتای سوم اسفند را در میان کودتاهای ایران پدیده‌ای یگانه می‌داند. از سوی دیگر کتاب با استفاده از آرای گرامشی و هابزیام کودتاها را بر حسب ماهیت و کارکردشان به دو نوع واپس‌گرا و پیشرو تقسیم می‌کند: «در نوع اول کودتاگران به نظام اجتماعی خدمت می‌کنند و منافع بزرگ مالکان، بورژوازی بزرگ و الیگارش‌ی حاکم را برآورده می‌کنند. در نوع دوم کودتاگران بر نظام کهن ضربه می‌زنند و اصلاحات را در بخش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آغاز می‌کنند.» (ص۵۲) نویسنده با اراج‌به هابزیام نشان می‌دهد نظامیان اصلاح‌کر در جوامعی پدید آمدند که ضرورت انقلاب اجتماعی در آنها آشکار شده و برخی از شرایط عینی انقلاب پدید آمده‌اند اما پایه‌های اجتماعی ای نهادهای مدنی ضعیف‌تر از آن بوده‌اند که انقلاب را عملی کنند. به گفته هابزیام در چنین جوامعی نیروهای مسلح جای خالی نیروهای اجتماعی را می‌گیرند، منتها این به شرطی است که افسران از اقشار میانی و ناراضی باشند و همکاری شایسته و فن‌آور یاری‌شان کنند. بااین‌حال، نویسنده تأکید دارد که حتی حکومت‌های مخلوق کودتای پیشرو هم نمی‌توانند از محدودهای فراتر روند و قادر نیستند به انقلاب بدل شوند. هیچ کودتایی به انقلاب‌های راستین اجتماعی نیجامید. نویسنده با اشاره به کودتای پیشرو و اصلاح‌گر مصر نشان می‌دهد که حتی حکومت ناصر هم نتوانست روابط طبقاتی را در این کشور دگرگون سازد. (ص۵۳)

اما ادعای جدلی کتاب در نتیجه‌گیری است: «در کودتاهای ایران مبارزه بین نیروهای سیاسی زمینه را برای مداخله نظامی آماده می‌ساخت. درعین‌حال، یکی از ویژگی‌های چشم‌گیر هرچهار کودتای ایران تأثیر عوامل بیرونی است.» (ص۴۰۱) چراکه در کودتاهای ایران سیاست خارجی به عامل مهمی بدل شد. چون اولا «کودتاگران دچار ضعف نسبی بودند و پایه اجتماعی گسترده‌ای نداشتند، ثانياً حتی پیش از آنکه کار به مرحله کودتا بکشد رابطه‌ای نزدیک بین نیروی کودتایی و بیگانگان پدید آمده بود. دولت ایران ضعیف بود و در دایره نفوذ دولت‌های بزرگ قرار داشت. در نتیجه، سیاست این دولت‌ها بر مسائل داخلی ایران اثر می‌گذاشت. هنگامی که بحران یا بن‌بست سیاسی پیش می‌آمد، تأثیر سیاست بیگانه می‌توانست تعیین‌کننده باشد. توطئه‌گران ایرانی به بیگانگان وابسته بودند، بنابراین طبیعی بود که در موقعیت حساس کودتا از آن دولت‌ها یاری بخواهند.» (ص۴۰۸) به نظر می‌رسد نویسنده می‌کوشد عناصر داخلی و خارجی کودتا را به موزات هم دنبال کند. همچنین تأکید دارد اگرچه «کودتاهای ایران به دست نظامیان اجرا شدند، در پی کودتاها شورای نظامیان یا خوتنا قدرت را قبضه نکرد. دیکتاتوری نظامی نیز بر سر کار نیامد. نظامیان توطئه‌گر از امتیازهای مزایایی برخوردار شدند. اما به صورت گروه صنعتی یکپارچه در صحنه سیاست چندان ندرخشیدند و به حاشیه رانده شدند.» (ص۴۱۲)

همچنین کتاب برای دآوری در مورد پیش‌روبودن یا واپس‌گرایی کودتاهای ایران از دو معیار بهره می‌برد: اول، وابستگی طبقاتی کودتاگران است، یعنی کودتا موجب چیرگی سیاسی و اجتماعی کدام بخش جامعه شد و به ضرر که بود. دوم اینکه توطئه‌گران برای رسیدن به چه اهدافی از ابزار کودتا بهره گرفتند و پس از پیروزی چگونه حکومتی را برپاکردند. در نظر نویسنده هرچهار کودتای ایران از نوع واپس‌گرای سیاسی و اجتماعی بودند: «پشتیبانان محمدمعلی شاه زمین‌داران، تئولداران، روسای ایلات عقب‌مانده و گروهی از حکومت‌گران و گروه‌های استبدادخواه بودند. به هنگام کودتای سوم اسفند طبقه حاکم و زمین‌داران هراسان بودند و حکومت‌گران ناتوان از حل دشواری‌ها، در چنین وضعی نظامیان پدیدار شدند. حکومت کودتا نظام اجتماعی را حفظ و از آن مراقبت کرد. در جریان ۲۸ مرداد نیز نشرهای کهن با همراهی بخشی از گروه‌های توانگر پیروز شدند و طبقه متوسط جدید و کارگران را از صحنه سیاست روفتند.» (ص۴۱۵) بنابراین کودتاهای ایران برخلاف نظریات کسانیی چون هانتینگتون به چیرگی طبقه متوسط منجر نشد. در نظر یزدانی، پیش‌شرط چیرگی طبقه متوسط این است که تسلط طبقه زمین‌دار یا الیگارشی زیومند از بین برود که در ایران چنین پدیده‌ای شکل نگرفت. همچنین او تأکید دارد پشتیبانان مؤثر کودتاهای ایران همواره طبقه حاکم و گروه‌های محافظه‌کار از طبقات اجتماعی مختلف بودند. بنابراین کودتاهای ایران از نوع واپس‌گرای سیاسی و اجتماعی بودند. در نظر یزدانی «این قضیه از نگرش سیاسی حکومتگران ایرانی پرده برمی‌داشت و نشان می‌داد که آنان نه به نظام پارلمانی پایبندند و نه مردم خود را دارای حقوق قانونی می‌دانند. هرگاه با جنبش‌های مردمی یا مخالف نظام موجود روبه‌رو شدند و راه‌های قانونی برای مهار آنها را بسته دیدند، از ابزار نظامی بهره جستند. در این راه، از یاری بیگانگان نیز سود بردند. هنگامی که به پیروزی رسیدند، سیاست سرکوب را در پیش گرفتند، حکومت‌های خودکامه را بر سر سار کار آوردند و دستاوردهای مردم خود را پایمال کردند. در میان رشته‌عللی که به ضعف و ناکامی مشروطیت ایران انجامید، می‌توان بر تأثیر بازدارنده و مخرب کودتاها نیز تأکید ورزید.» (ص۴۱۶)

«**منم ازهر که در این ساعت غارت‌زده‌تر، همه چیز از کف من رفته به‌در، دل فولاد ما من نیست**» - **نیمایوشیح**

زیدیه در ایران

ایالات شمالی ایران از گذشته تاکنون به دلایل مختلف پیوندهای نزدیکی با هم داشته‌اند. وجود دریای خزر، ارتباطات تجاری و حوادث سیاسی و اجتماعی از جمله عوامل اصلی این پیوندها بوده‌اند. نهضت علویان زیدی در طبرستان عامل تاریخی مهمی بود که غرب خطه شمال ایران، یعنی دیلمان را به جرجان (گرگان) پیوند دهد. بعد از فوت پیامبر، ابوبکر دوسال‌وسه‌ماه خلافت کرد تا نوبت به عمر رسید. در زمان این خلیفه سپاه او به‌تدریج از سوی مرزهای غربی ایران اقدام به فتح شهرها کردند. دامنه این اقدامات در عهد عثمان به شمال ایران از جمله طبرستان، گرگان و استراباد هم گشیده شد. تاکنون پژوهشگران در چند کتاب، حوزه گسترش حکومت علویان زیدی را در نواحی طبرستان مورد بررسی قرار داده‌اند. استراباد و گرگان در شرق و دیلمستان در غرب برای زیدیان طبرستان اهمیت زیادی داشتند. زیرا آنها از طریق دیلمان می‌توانستند به قزوین، زنجان، ری و چند مکان دیگر حمله برند و بر آن نقاط تسلط یابند.

استراباد و گرگان دروازه و مداخل ورودی به خراسان بزرگ بودند و نیز در مسیر راه‌های تجاری و تجارت بزرگ با خراسان، آسیایمیانه و ماوراءالنهر واقع می‌شدند. زیدیان حداقل دویار از طریق استراباد و گرگان توانستند بر نیشابور مرکز خراسان آن عهد چیره شوند. آنها چندبار هم به ری، قزوین و سایر نواحی آن حدود حمله بردند. «زیدیان علوی در طبرستان، دیلمستان، استراباد و گرگان» کتاب جدیدی درباره زیدیان علوی و بنیان‌گذاری حکومتشان در طبرستان و گسترش دایره قدرتشان تا دیلمان، استراباد و گرگان است. بخش‌های ابتدایی کتاب به معرفی پیشینه و تاریخ نواحی استراباد می‌پردازد. در این کتاب برای پرداختن به مطالب محوری کتاب یعنی نهضت شیعیان زیدی به پیش‌زمینه‌های اجتماعی



زیدیان علوی

اسدالله معطوفی

ناشر: نگاه

قیمت: ۳۷۰۰۰ تومان

آن دوران توجه شده است. اصولاً معرفی چنین جنبش‌هایی مستلزم شناخت پدیده‌های شاخص اجتماعی، سیاسی واقتصادی آن دوران است که نهضت‌ها و قیام‌ها بر بستر آن شکل گرفته است. در این حوزه معرفی اسپهدان طبرستان و دیلمان، آشنایی با مذاهب و فرق اسلامی به ویژه تسن و تشیع و چند مسئله دیگر از مهم‌ترین موارد محسوب می‌شده‌اند. نقش تعدادی از اسپهدان موافق و مخالف زیدیان در جنگ‌ها و مقاومت‌ها بسیار فووق‌مدرن اف-۱۴ (تامکت) به زرادخانه نیروی هوایی ایران برای مقابله با شکاری‌های میک-۲۵ ارتش سرخ اتحاد شوروی از جمله دستاوردهای می‌شدند. معرفی خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس و حکومت‌های آل‌زیار و آل‌بویه و نقش آنها در ستیز با قیام‌های زیدیان از جمله علویان زیدی طبرستان نیز از مطالب مطرحه در کتاب است و نشان می‌دهد چگونه جنبش و حکومت زیدیان در شمال ایران و سایر نهضت‌های علویان زیدی، ریشه داشت. قیام‌های عمده و مهم ایرانی و غیرایرانی مخصوصاً در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباسی تا قرن حدود ۵ و ۴ هجری‌قمری از دیگر مطالب کتاب است. در کتاب تلاش شده از تاریخ تطبیقی و مقایسه‌ای مخصوصاً در مورد شرح بعضی از وقایع بهره گرفته شود. در پایان کتاب نیز به زیدیان یمن که امروز آنها را به نام حوثی‌ها می‌شناسند و امامان و کتب و آثارشان پرداخته شده است چراکه پس از تشکیل دولت علویان ادریسی در مغرب و علویان زیدی در طبرستان، سومین حکومت علویان زیدی در یمن تشکیل شده بود که ریشه‌هایی در طبرستان، دیلمان و گرگان داشت.

گفت‌وگو

نگاهی به کتاب «نیکسون، کیسینجر وشاه» در گفت‌وگو با مترجم از یک‌ه‌تازی در منطقه تا زوال لابی پهلوی در آمریکا

«نیکسون، کیسینجر و شاه» کتابی به قلم رهام الوندی دانش‌آموخته دانشگاه آکسفورد و دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن است که از سوی روزنامه فایننشال تایمز انگلستان به‌عنوان برترین کتاب تاریخی سیاسی سال ۲۰۱۴ برگزیده شده است. این کتاب در زمستان سال گذشته با ترجمه غلامرضا علی‌بابایی از سوی نشر کتاب پارسه منتشر شد. آنچه در ادامه می‌خوانید گفت‌وگویی با غلامرضا علی‌بابایی درباره کتاب حاضر است:

❧ اهمیت این کتاب در چیست و چه نکاتی در آن مورد توجه شما قرار گرفت که تصمیم به ترجمه‌اش گرفتید؟
در این کتاب با برداشته‌شدن پرده از روی اسناد محرمانه، برای نخستین‌بار اسرار روابط دو کشور در طول دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ آشکار می‌شود و در ادامه، به روایتی مبسوط از عملیات پنهان سیا (CIA) در کردستان عراق و فلج‌شدن ارتش بعث عراق و سرانجام تسلیم این رژیم در برابر ایران می‌پردازد. همچنین مطالب مربوط به نقش آمریکا در بحران آذربایجان و تسلیم‌شدن استالین که بنا به گفته خودش، خودمختاری آذری‌ها وسیله‌ای بود که: «هدف را به توجیه می‌کرد و هدف ما ترساندن حکومت تهران بود که به آن نائل شدیم»، از مطالب بسیار جالبی است که در کتاب مورد بحث قرار گرفته است.

❧ این کتاب به نقش آمریکا در جریان ملی‌شدن نفت هم می‌پردازد؟
بله. در مورد جریان ملی‌شدن صنعت نفت، آمریکا به مصدق گفته بود که روس‌ها مثل لاشخوری منتظرند تا نفت ایران را به چنگ آورند. با مقاومت مصدق، کاسه صبر سیا لبریز شد و طرح کودتای آژاکس در مرداد ۱۳۳۲ به اجرا درآمد و مصدق را سرنگون کرد و شاه را بار دیگر بر سریر قدرت نشاند. به عقیده نویسنده، این کودتا، وجهه شاه را تا حد رئیس یک دولت فرودست کاهش داد؛ جبرانی که تأثیر سوء آن بیش از نصت سال بر روابط دو کشور سایه افکنده است.

❧ موضوع محوری کتاب رابطه سه‌جانبه نیکسون، کیسینجر و شاه است. نخستین دیدار نیکسون با شاه در چه زمانی بود؟

پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ نیکسون که معاون زرنرال آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا بود، در آرمه‌ا ۳۲ به تهران آمد و با شاه ملاقات کرد. رویداد اثره که منجر به کشته‌شدن سه نفر از دانشجویان دانشگاه تهران شد در این مقطع صورت گرفت.

❧ روابط ایالات متحده - در دوران کندی - با ایران چه فراخفوق‌دهی‌هایی داشت؟

در انتخابات نوامبر ۱۹۶۰، جان اف. کندی نامزد دموکرات‌ها با اختلاف آرای بسیار کمی بر نیکسون نامزد جمهوری‌خواهان پیروز شد و زنگ خطر دشوارترین روزها در روابط دوجانبه ایران و آمریکا به صدا درآمد. حمایت شدید شاه از جمهوری‌خواهان چیزی نبود که از دید دموکرات‌ها پنهان بماند. شاه از کندی و سیاست‌های وی نفرت داشت زیرا آمریکا درصدد اجرای اصلاحاتی از نوع «انقلاب سفید» در ایران بود و شاه به‌آسانی زیر بار آن نمی‌رفت. به عقیده یکی از سناتورها، «شاه می‌خواست تاشی دهد که متجدد است، ولی نمی‌توانست هم خشایارشا باشد و هم فیدل کاسترو». پس از قتل کندی در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ جاسون روابط بهتری با ایران برقرار کرد و روابط تسلیحاتی دو کشور با سرانیزشدن شکاری‌های اف-۵ تایگر (TIGER) و سپس شکاری بمبافکن‌های اف-۴ فانتوم (PHANTOM) در شهریور ۱۳۴۷ که مدرن‌ترین جنگنده جهان بود که ایران پس از آمریکا و انگلستان، نخستین نیروی هوایی جهان بود که صاحب آن می‌شد، ادامه یافت.

❧ اهمیت دکتترین نیکسون در اوج‌گیری روابط دو کشور بود؟

با شدت‌گرفتن جنگ ویتنام و پیروزی نیکسون در انتخابات نوامبر ۱۹۶۸، وی ناچار شد سیاست جدیدی را در کشورها‌های هم‌پیمان خود تحت عنوان «دکتترین نیکسون» در پیش بگیرد. به موجب این سیاست، برقراری روابط ویژه با کشورهای کلیدی جهان‌سوم و درگیرکردن آنها در عملیات سنگین مدیریت امپریالیستی هدف اصلی را تشکیل می‌داد. در چارچوب این دکتترین، نقش منطقه‌ای رژیم پهلوی عبارت بود: از: ۱) برهم‌زدن تعادل نظامی به زبان فشارهای واسپولیستی ۲) سرکوب شورش ظفار ۳) مبارزه با جدایی‌طلبان بلوچستان در پاکستان و ۴) کمک به سومالی در جنگ با سومالی.

❧ اوج مشارکت محمدرضا پهلوی و نیکسون چه زمانی بود؟

اوج مشارکت رژیم پهلوی در چارچوب دکتترین نیکسون در خرداد ۱۳۵۱ و در سفر وی به تهران بود که به موجب توافق آمریکا با ایران، این کشور می‌توانست هر نوع جنگ‌افزاری را به‌جز سلاح هسته‌ای، از زرادخانهی آمریکا در اختیار داشته باشد. سرانیزشدن شکاری‌های فوق‌مدرن اف-۱۴ (تامکت) به زرادخانه نیروی هوایی ایران برای مقابله با شکاری‌های میک-۲۵ ارتش سرخ اتحاد شوروی از جمله دستاوردهای این سفر بود.

❧ موضع انگلستان در برابر جایگاه ایران در خلیج فارس پس از خروج آن کشور از منطقه چه بود؟

بدیهی است که انگلستان با سلطه ایران بر خلیج‌فارس مخالفت می‌کرد، زیرا به نظر آن کشور ایران تهدیدی برای برقراری موازنه منطقه‌ای بود و نمی‌توانست جای خالی انگلستان را پر کند. این مطلبی بود که در سفر شاه به انگلستان به وی گوشزد شد.

❧ این کتاب به موضع آمریکا در جریان بحران شط‌العرب نیز پرداخته است.

در جریان بحران شط‌العرب، آمریکا به ایران اعلام کرد که: هر تصمیمی در این رابطه بگیرد، منحصراً مسئولیتش با خود ایران خواهد بود، ما فقط نگران خدشه‌دارشدن سیمای ایران در آمریکا هستیم. نیروی هوایی ایران قدرت فائقه در آسمان منطقه بود و شکاری‌های فانتوم با عملیات رعب‌آور خود، عراق را به زانو درآوردند و آن را به پای میز مذاکره کشاندند.

❧ ایران چه نقشی در مهار اتحاد شوروی داشت؟

مشارکت ایران در چارچوب محور «نیکسون-کیسینجر- شاه» در ۱۹۷۲ به اوج خود رسید و این کشور دیگر وبال کردن آمریکا نبود، بلکه یک قدرت میانه در حال ظهور بود که در استراتژی آمریکا برای مهار شوروی سهیم بود.

❧ تبعات منفی افزایش قیمت نفت برای رژیم پهلوی چه بود؟

افزایش قیمت جهانی نفت و ثروت حاصل از آن، محدودیت‌ها و قیدوندهای حکومت شاه را در سرا راه برداشت و برنامه‌های بلندپروازانه وی را سرعت بخشید که در سقوط او نقش داشتند.

ادامه در صفحه ۱۴